

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگرفته از: وبلاگ کرا دلّه - ۶ اکتوبر ۲۰۲۲*
نویسنده: پیه اسکوبار
برگردان: سایت «۱۰ مهر»
۱۸ اکتوبر ۲۰۲۲

مایکل هادسون: نقشه راهی برای فرار از خفقان غرب



مسیر ژئواکونومیک به دور از نظم نئولیبرال مملو از خطر است، اما پاداش‌های ایجاد یک سیستم جایگزین به همان اندازه امیدوارکننده و فوری هستند.

بدون بینش و دیدگاه پروفیسور مایکل هادسون استاد دانشگاه میسوری و نویسنده کتاب تأثیرگذار «سرنوشت تمدن»، نمی‌توان آشفته‌گی ژئواکونومیک را که در «دردهای تولد» جهان چندقطبی ذاتی است، ردیابی کرد. در آخرین مقاله خود، پروفیسور هادسون به طور عمیق‌تری به سیاست‌های خودکشی‌گونه اقتصادی/مالی المان می‌پردازد؛ از تأثیر آنها بر یوروی در حال سقوط - و به برخی احتمالات برای ادغام سریع اوراسیا و جنوب جهانی به‌عنوان یک کل، به‌منظور تلاش برای شکستن بن‌بست هژمون اشاره می‌کند. این نظریه منجر به ردوبدل شدن یک سری ایمیل گردید، به‌خصوص در مورد نقش آینده یوان، جایی که هادسون اظهار داشت:

«چینی‌هایی که من در طول سال‌ها با آنها صحبت کرده‌ام، انتظار نداشتند دالر تضعیف شود. آنها برای ظهور خود گریه نمی‌کنند، اما نگران فرار سرمایه از چین هستند، زیرا فکر می‌کنم پس از کنگره حزب [که در ۱۶ اکتوبر آغاز می‌شود] حمایت از بازار آزاد در شانگهای تضعیف خواهد شد. فشار برای تغییرات آتی مدت‌هاست افزایش یافته است. از بیش از یک دهه پیش روح اصلاحات برای مهار "بازارهای آزاد" در بین دانشجویان گسترش یافت و آنها امروز در سلسله مراتب حزبی رشد کرده‌اند.»

هادسون در مورد موضوع کلیدی پذیرش پرداخت‌های انرژی به روبل توسط روسیه، به نکته‌ای اشاره می‌کند که در خارج از روسیه به‌ندرت مورد بررسی قرار می‌گیرد: «آنها واقعاً نمی‌خواهند فقط به روبل پرداخت شود. این تنها چیزی است که روسیه به آن نیاز ندارد، زیرا فقط می‌تواند آنها را چاپ کند. نیاز آن به روبل تنها برای پرداخت‌های بین‌المللی و متعادل ساختن آن و تثبیت نرخ ارز است، نه برای بالا بردن آن.»

که این ما را به تسویه حساب با یوان می‌رساند: «پرداخت به یوان مانند پرداخت پول با طلا است - یک دارایی بین‌المللی که هر کشوری آن را به‌عنوان یک ارز با پشتوانه می‌خواهد داشته باشد و اگر کسی آن را بفروشد ارزش دارد (خلاف دالر فعلی، که بدون پشتوانه است و امکان دارد خیلی راحت مصادره شود، یا در نهایت پوچ از آب درآید). آنچه روسیه واقعاً به آن نیاز دارد، ورودی‌های صنعتی حیاتی مانند تراشه‌های کامپیوتری است. ممکن است از چین بخواهد که اینها را با یوانی که روسیه به‌دست می‌آورد، وارد کند.

بازگشت کینز (۱)

پس از تبادل ایمیل ما، پروفیسور هادسون با ظرافت پذیرفت که به چند سؤال ما درباره فرآیندهای ژئواکونومیک بسیار پیچیده در سراسر اوراسیا با جزئیات پاسخ دهد. به این ترتیب شروع می‌کنیم.

وبلاگ کرادله : بریکس BRICS در حال بررسی پذیرش یک ارز مشترک است - شامل همه و ما انتظار داریم، بریکس پلاس هم منظور نظر باشد. چگونه می‌توان آن را عملاً اجراء کرد؟ بسختی می‌توان دید که بانک مرکزی برزیل با روس‌ها و بانک خلق چین هماهنگ شود. آیا این تنها شامل سرمایه‌گذاری - از طریق بانک توسعه BRICS است؟ آیا این بر اساس کالاها + طلا خواهد بود؟ یوان چگونه در آن جا می‌شود؟ آیا رویکرد بریکس مبتنی بر مذاکرات فعلی اتحادیه اقتصادی اوراسیا (EAEU) با چینی‌ها به رهبری سرگئی گلزیف است؟ آیا اجلاس سمرقند عملاً به ارتباط متقابل بریکس و سازمان همکاری شانگهای منجر شد؟

هادسون : هر ایده‌ای در مورد یک ارز مشترک باید با یک ترتیب و توافق مبادله ارز بین کشورهای عضو موجود شروع شود. بیشتر معاملات به ارزهای خودشان خواهد بود. اما برای رفع عدم تعادل‌های اجتناب‌ناپذیر (مازاد و کسری تراز پرداخت‌ها)، توسط بانک مرکزی جدید یک ارز مصنوعی ایجاد خواهد شد.

این ممکن است ظاهراً شبیه حقوق برداشت ویژه (SDRs) (۲) باشد که توسط صندوق بین‌المللی پول (IMF) در درجه اول برای تأمین مالی کسری حساب نظامی ایالات متحده و خدمات بدهی فزاینده بدهکاران جهانی جنوب به وام‌دهندگان ایالات متحده ایجاد شده است. اما این چیدمان بسیار بیشتر شبیه «بانکور» است که توسط جان مینارد کینز در سال ۱۹۴۴ پیشنهاد شد. کشورهای دارای کسری می‌توانند سهمیه معینی از بانکورها را ترسیم کنند که ارزش‌گذاری آن با انتخاب مشترک قیمت‌ها و نرخ‌های ارز تعیین می‌شود. بانکورها (و واحد پول آنها) برای پرداخت به کشورهای دارای مازاد استفاده خواهند شد.

اما خلاف سیستم SDR صندوق بین‌المللی پول، هدف این بانک مرکزی جایگزین جدید، صرفاً یارانه دادن به قطب‌سازی اقتصادی و بدهی‌ها نخواهد بود. کینز این اصل را مطرح کرد که اگر کشوری (او در آن زمان به ایالات متحده فکر می‌کرد) مازاد مزمن داشته باشد، این نشانه حمایت‌گرایی یا امتناع آن از حمایت از اقتصاد مقاومتی متقابل خواهد بود و همراه با بدهی‌های بانکور کشورهای که اقتصادشان مانع از توانایی آنها برای متعادل کردن پرداخت‌های بین‌المللی و حمایت از پولشان شده است، ادعاهایش به‌تدریج کم‌رنگ خواهد شد.

ترتیبات پیشنهادی امروز در واقع از اعطای وام بین بانک‌های عضو حمایت می‌کند، اما نه به‌منظور حمایت از فرار سرمایه (استفاده اصلی از وام‌های صندوق بین‌المللی پول، زمانی که به‌نظر می‌رسد احتمالاً دولت‌های «چپ» انتخاب شوند) و صندوق بین‌المللی پول و جایگزین مرتبط با آن، بانک جهانی، از تحمیل برنامه‌های ریاضتی و سیاست‌های ضد کارگری بر بدهکاران خودداری خواهند کرد. دکترین اقتصادی، خودکفائی در مواد غذایی و نیازهای اساسی را تشویق می‌کند و تشکیل مادی سرمایه کشاورزی و صنعتی و نه مالی‌سازی را ترویج می‌کند.

این احتمال وجود دارد که طلا نیز عنصری از ذخایر پولی بین‌المللی این کشورها باشد، صرفاً به این دلیل که طلا کالائی است که رویه و روش جهانی صدها سال است که قبلاً روی آن به‌عنوان عنصری قابل قبول و از نظر سیاسی خنثی توافق کرده است. اما طلا وسیله‌ای برای تسویه تراز پرداخت‌ها خواهد بود، نه تعریف پول ملی. این توازن البته به تجارت و سرمایه‌گذاری با کشورهای غربی که بخشی از این بانک نیستند نیز می‌رسد. طلا ابزار قابل قبولی برای پرداخت بدهی‌های غرب به بانک جدید اوراسیامحور خواهد بود. تا زمانی که طلا در دست اعضای جدید بانک نگهداری شود، و نه دیگر در نیویورک یا لندن مانند رویه خطرناکی که از سال ۱۹۴۵ تاکنون بوده است - این وسیله‌ای برای پرداخت‌هایی است که کشورهای غربی نمی‌توانند بسادگی آن را انکار کنند.

در اجلاسی برای ایجاد چنین بانکی، چین در موقعیت مسلط مشابهی خواهد بود که ایالات متحده در سال ۱۹۴۴ در برتون وودز از آن برخوردار بود. اما فلسفه عملکرد آن کاملاً متفاوت خواهد بود. هدف توسعه اقتصاد اعضای بانک‌ها با برنامه‌ریزی بلندمدت یا الگوهای تجاری است که برای اقتصاد آنها مناسب‌تر به‌نظر می‌رسد تا از نوعی روابط وابستگی و تصاحب خصوصی‌سازی که مشخصه سیاست صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی است، اجتناب شود. این اهداف توسعه شامل اصلاحات ارضی، بازسازی ساختار صنعتی و مالی و اصلاحات مالیاتی و همچنین اصلاحات بانکی و اعتباری داخلی است. به‌نظر می‌رسد بحث‌ها در جلسات سازمان همکاری شانگهای زمینه را برای ایجاد یک هماهنگی کلی منافع در ایجاد اصلاحات در این راستا فراهم کرده است.

اوراسیا یا انفجار

وب‌لاگ کرادله: در میان‌مدت، آیا می‌توان انتظار داشت که صنعتگران المانی که به زمین‌های بایر آینده و نابودی خود فکر می‌کنند، به‌طور دسته‌جمعی علیه تحریم‌های تجاری/مالی ناتو علیه روسیه شورش کنند و برلین را مجبور به افتتاح نورد استریم ۲ کنند؟ گازپروم تضمین می‌کند که خط لوله قابل بازیابی است. برای رسیدن به این هدف نیازی نیست به سازمان همکاری شانگهای بپیوندد.

هادسون: با توجه به خفقان ایجاد شده آمریکا/ناتو در سیاست منطقه یورو و مداخله مقامات ایالات متحده در ۷۵ سال گذشته، بعید است که صنعتگران المانی برای جلوگیری از صنعتی‌زدائی کشورشان اقدام کنند. پس از تبدیل المان به خرابه‌های اقتصادی از نوع کشورهای بالتیک، رؤسای شرکت‌های المانی به احتمال زیاد سعی می‌کنند با ثروت شخصی و شرکتی دست‌نخورده تا جائی که می‌توانند زنده بمانند.

قبلاً صحبت‌هایی در مورد انتقال تولید - و مدیریت - به ایالات متحده شده است، که المان را از دستیابی به انرژی، فلزات و سایر مواد ضروری از هر تأمین‌کننده‌ای که تحت کنترل منافع ایالات متحده و متحدان آنها نیست، باز می‌دارد. سؤال بزرگ این است که آیا شرکت‌های المانی به اقتصادهای جدید اوراسیا مهاجرت می‌کنند که به‌نظر می‌رسد رشد صنعتی و شکوفائی آن‌ها بر اقتصاد ایالات متحده سایه افکنده است؟

البته خطوط لوله نورد استریم قابل بازیابی هستند. دقیقاً به همین دلیل است که فشار سیاسی وزیر امور خارجه آمریکا بلینکن، چنان مداوم است که آلمان، ایتالیا و سایر کشورهای اروپائی تلاش‌های خود را برای منزوی ساختن اقتصاد خود از تجارت و سرمایه‌گذاری با روسیه، ایران، چین و سایر کشورهای که ایالات متحده در تلاش است تا رشد آنها را کاهش دهد، افزایش می‌دهند.

چگونه می‌توان از «جایگزینی وجود ندارد» فرار کرد.

وبلاگ کرادله: آیا به نقطه‌ای رسیده‌ایم که بازیگران کلیدی جنوب جهانی - بیش از ۱۰۰ کشور - بالاخره باهم دست به‌کار شده و تصمیم می‌گیرند که سد ایالات متحده را از ننگ داشتن اقتصاد جهانی نئولیبرال مصنوعی در حالت کم‌ای همیشه شکسته و فرو ریزند؟ این بدان معنی است که تنها گزینه قابل اجراء، همانطور که شما توضیح دادید، راه‌اندازی یک ارز جهانی موازی است که دالر آمریکا را دور بزند - در حالی که مظنونین معمولی در بهترین حالت از ایده برتون وودز ۳ - Bretton Woods III - صحبت می‌کنند. آیا کازینوی مالی FIRE (مالی، بیمه، املاک و مستغلات) به اندازه کافی قادر است تا هرگونه رقابت احتمالی را درهم بکوبد؟ آیا سازوکار عملی دیگری به‌غیر از آنچه که توسط سازمان همکاری شانگهای، اورآسیا و بریکس BRICS / EAEU / SCO مورد بحث قرار می‌گیرد، پیش‌بینی می‌کنید؟

هادسون: یک یا دو سال پیش به‌نظر می‌رسید که کار طراحی یک سیستم ارزی، پولی، اعتباری و تجاری جایگزین کامل جهانی آنقدر پیچیده است که بسختی می‌توان به جزئیات آن فکر کرد. اما تحریم‌های ایالات متحده ثابت کرده است که کاتالیزور مورد نیاز برای فوری کردن چنین بحث‌هایی است.

مصادره ذخایر طلای ونزولا در لندن و سرمایه‌گذاری‌های امریکائی‌اش، مصادره ۳۰۰ میلیارد دالر از ذخایر ارزی روسیه که در ایالات متحده و اروپا نگهداری می‌شود و تهدید این کشور به انجام همین کار علیه چین و سایر کشورهای که در برابر سیاست خارجی آمریکا مقاومت می‌کنند، منجر به مخالفت این کشورها با آمریکا شده است. سیاست خارجی، دالرزدائی را ضروری کرده است. من منطق را در بسیاری از موارد توضیح داده‌ام، از مقاله خود در والدای کلاب (با رادیکا دسای - with Radhika Desai) تا کتاب اخیرم در مورد «سرنوشت تمدن»، مجموعه سخنرانی‌هایی که برای هانگ کانگ و دانشگاه جهانی برای پایداری آماده کردم.

نگهداری اوراق بهادار به دالر و حتی نگهداری طلا یا سرمایه‌گذاری در ایالات متحده و اروپا، دیگر گزینه مطمئنی نیست. واضح است که جهان در حال تقسیم به دو نوع اقتصاد کاملاً متفاوت است و دیپلمات‌های ایالات متحده و اقماری اروپائی آن‌ها آماده‌اند و مایلند تا نظم اقتصادی موجود را از هم بپاشند به این امید که با ایجاد یک بحران مخرب دست برتر را به‌دست آورند.

همچنین واضح است که تسلیم در برابر صندوق بین‌المللی پول و برنامه‌های ریاضتی آن یک خودکشی اقتصادی است و پیروی از بانک جهانی و دکترین نئولیبرالی آن در مورد وابستگی بین‌المللی آن، خودیرانگر است. نتیجه چنین کاری، ایجاد سربار غیرقابل پرداخت از بدهی‌های دالر آمریکا بوده است. این بدهی‌ها بدون استقراض از صندوق بین‌المللی پول و پذیرش شرایط تسلیم اقتصادی به خصوصی‌سازان و سفته‌بازان امریکائی قابل پرداخت نیست.

تنها جایگزین برای تحمل ریاضت اقتصادی خودتحمیلی، خروج از تله دالر است که در آن اقتصاد «بازار آزاد» تحت حمایت ایالات متحده (بازارهایی عاری از حمایت دولت، و عاری از توانائی دولت برای بازیابی آسیب‌های

زیست‌محیطی از شرکت‌های نفتی و شرکت‌های معدنی ایالات متحده و وابستگی صنعتی و غذائی مرتبط) برای ایجاد یک شکست تمیز است.

شکست سخت خواهد بود و دیپلماسی ایالات متحده هر کاری که می‌تواند برای ایجاد اختلال در ایجاد نظم اقتصادی انعطاف‌پذیرتر انجام خواهد داد. اما سیاست ایالات متحده یک وضعیت جهانی وابستگی ایجاد کرده است که در آن هیچ جایگزینی جز جدا شدن وجود ندارد.

راه خروج المان؟

وبلاگ کراوله: تحلیل شما در مورد گازپروم چیست که نشان می‌دهد خط B از نورد استریم ۲ در عمل تروریستی اخیر خطلوله‌ها آسیب ندیده است؟ این بدان معناست که نورد استریم ۲ عملاً آماده راه‌اندازی است - با ظرفیت پمپاژ ۲۷/۵ میلیارد مترمکعب گاز در سال که اتفاقاً نیمی از کل ظرفیت نورد استریم - آسیب‌دیده - است. بنابراین المان محکوم به فنا نیست. این یک فصل کاملاً جدید را باز می‌کند. راه‌حل به تصمیم جدی سیاسی دولت المان بستگی دارد.

هادسون: در اینجا یک نکته وجود دارد: روسیه مطمئناً دوباره هزینه را متحمل نخواهد شد، آنهم فقط برای منفجر کردن دوباره خط لوله. این مربوط به المان خواهد بود. شرط می‌بندم که رژیم فعلی می‌گوید «نه». این امر باید باعث ظهور جالب احزاب آلترناتیو شود.

مشکل نهائی این است که المان تنها با خروج از ناتو و درک این که قربانی اصلی جنگ ناتو است، می‌تواند تجارت با روسیه را احیاء کند. این مسأله تنها می‌تواند با گسترش به ایتالیا و همچنین یونان (زیرا از قبرس در برابر ترکیه محافظت نشده بود) موفق شود. این یک مبارزه طولانی به‌نظر می‌رسد.

شاید برای صنعت المان راحت‌تر باشد که وسایل خود را جمع کند و به روسیه برود تا به نوسازی تولیدات صنعتی خود کمک کند، به ویژه BASF برای کیمیا، زیمنس برای مهندسی، و غیره. با این حال، با توجه به اقتصاد فراصنعتی امریکا، یورش ایالات متحده به صنعت المان، که رهبری آن را ایالات متحده تسخیر کرده است، این امر موفق نخواهد شد.

بنابراین صنعت المان تنها زمانی می‌تواند به‌سمت شرق حرکت کند که حزب سیاسی خود را به‌عنوان یک حزب ملی‌گرای ضد ناتو ایجاد کند. قانون اساسی اتحادیه اروپا که منافع ناتو را در سطح فدرال در اولویت قرار می‌دهد، المان را ملزم به خروج از اتحادیه اروپا می‌کند. سناریوی بعدی بحث ورود المان به سازمان همکاری‌های شانگهای است. بی‌ایند شرط‌بندی کنیم که چقدر طول می‌کشد.

۱- جان مینارد کینز یکی از تأثیرگذارترین اقتصاددانان قرن بیستم بود. ایده‌های او پایه و اساس برای مکتب فکری معروف به اقتصاد کینزی، و شاخه‌های مختلف آن شد.

در طول افسردگی شدید در دهه ۱۹۳۰، کینز پیشگام انقلابی در تفکر اقتصادی شد، به نبرد فراخواندن ایده‌های اقتصاد نئوکلاسیک که بازارهای آزاد تا زمانی که کارگران در مطالبات مزدی خود انعطاف‌پذیر باشند در کوتاه‌مدت و میان‌مدت، به‌طور خودکار اشتغال کامل را فراهم می‌کند. او استدلال کرد که تقاضای کل (کل هزینه در اقتصاد) سطح کلی فعالیت اقتصادی را تعیین می‌کند و تقاضای کل ناکافی می‌تواند منجر به دوره‌های طولانی مدت بیکاری شود. کینز طرفدار استفاده از سیاست‌های مالی و پولی برای کاهش اثرات سوء اقتصادی در رکود اقتصادی و افسردگی‌ها بود و این ایده‌ها را در بزرگنمایی خود شرح داد، نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول، در سال ۱۹۳۶ منتشر شد. در اواخر

دهه ۱۹۳۰، اقتصادهای برجسته غربی توصیه‌ها برای پذیرش سیاست کینز را آغاز کردند. تقریباً همه دولت‌های سرمایه‌داری این کار را در پایان دو دهه پس از مرگ کینز در سال ۱۹۴۶ انجام داده بودند. کینز به‌عنوان رهبر هیأت انگلیس، اما از چند جنبه در طراحی نهادهای اقتصادی بین‌المللی تأسیس شده پس از پایان جنگ جهانی دوم توسط هیأت امریکائی نادیده گرفته شد.

۲- SDR حق برداشت مخصوص : حق برداشت مخصوص یا طلای کاغذی یک دارائی پولی صوری است که توسط صندوق بین‌المللی پول ایجاد شد تا کمبود نقدینگی بین‌المللی را جبران کند.

[* https://thecradle.co/Article/Interviews/۱۶۵۳۶](https://thecradle.co/Article/Interviews/۱۶۵۳۶)